

## مفهوم انقلاب اسلامی

نخستین گام در مطالعه هر پدیده، تبیین مفهومی آن است. شاید به تعداد اندیشمندانی که در مورد انقلاب قلم زده اند، تعاریفی از انقلاب ارائه شده باشد. این تعاریف کم و بیش وجوه اشتراک و اختلاف نسبت به یکدیگر دارند و هر یک از آنها زاویه ای از زوایای انقلاب را آشکار می سازد. آنچه مسلم و قطعی است این که بر روی هیچ تعریف مفهومی رضایت بخش و مورد پذیرش عموم، اتفاق نظر وجود ندارد.

در کالبدشکافی تعاریف انقلاب به مؤلفه هایی نظیر دگرگونی بنیادین و ساختاری، تغییر نهادها، جابه جایی نخبگان، خشونت و بی نظمی و... برمی خوریم که بر اساس تحلیل انقلاب های جهان، در تعریف انقلاب جای گرفته اند. وقوع انقلاب اسلامی ایران که یکی از بزرگ ترین پدیده های تاریخ در قرن بیستم بوده و در زمره مهم ترین جنبش های سیاسی - اجتماعی به شمار می آید، تعاریف موجود و نیز نظریه های انقلاب را به چالش کشید و ضرورت ارائه تعریف جدیدی از انقلاب را به دنبال آورد.

وجه عدم اتفاق نظر در درک مفهومی انقلاب، مربوط به پیچیدگی آن به عنوان یک پدیده اجتماعی است که به پیچیدگی و ناشناختگی انسان برمی گردد. با این وجود گفتنی است که شاید بتوان از طریق درک اشارت و رمزهای ضمنی اینگونه دگرگونی ها، به تصویری رضایت بخش از معنای انقلاب دست یافت.

انقلاب اسلامی خصوصیات منحصر به فردی دارد که آن را از دیگر انقلاب های جهان ممتاز می سازد و مفهوم جدیدی از انقلاب به دست می دهد. برخی از این خصوصیات از نظر خلف صالح معمار بزرگ انقلاب اسلامی از این قرارند:

۱- برخورداری از پشتوانه عظیم فلسفه و فقه و معارف شیعه در طول هزار سال،

۲- انقلاب اجتماعی همه جانبه همراه با تحول بنیادین در زندگی انسان ها،

۳- استواری بر پایه فرهنگ و اعتقاد و ایمان در مراحل اوج گیری و سازندگی انقلاب،

۴- بهره مندی از رویکرد ارزشی و هدف گیری اصلاح مفاسد جهانی و بشری،

۵- حاکم سازی فرهنگ توحیدی به جای فرهنگ الحادی و استبدادی،

۶- شکل گیری بر مبنای نظم و انضباط انقلابی.

با توجه به این خصوصیات است که انقلاب اسلامی یک تفسیر اسلامی و الهی بوده و به معنی زنده کردن دوباره اسلام است؛ چنان که رهبر معظم انقلاب می فرماید:

انقلاب یک تفسیر اسلامی و الهی است. ما انقلاب را یک تحول اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی می دانیم که به دنبال آن ها تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه جانبه ابعاد انسان ها می آید. همان طور که در آیه قرآن است «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» هر وقت انسان ها خصلتهای بد، ضعفها، نقص ها و بی ایمانی ها را در خودشان تغییر دادند، اوضاع و احوال اجتماعی آنها تحول پیدا خواهد کرد. هیچ چیز هم جلوگیری آن نخواهد بود. برای شروع این حرکت و تحول همگانی، انسان ها باید احساس تکلیف کنند.

### **ضرورت انقلاب اسلامی**

بسیاری از صاحب نظران علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران را بررسی کرده اند و به نحوی کوشیده اند تا یکی از نظریه های ابراز شده از سوی اندیشمندان غربی درباره انقلاب را بر انقلاب اسلامی تطبیق نمایند. آنان ضرورت وقوع انقلاب اسلامی را بیشتر در عواملی نظیر مدرنیزاسیون، توطئه ی خارجی، اقتصاد و مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی دانسته اند. در حالی که با کالبدشکافی دقیق انقلاب اسلامی ایران به تطبیق ناپذیری این نظریات بر آن حکم خواهیم نمود.

در دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب یک ضرورت طبیعی بر اساس سنت های الهی بود. توضیح اینکه؛ نظام هستی به عنوان مظهر و تجلی اراده و مشیت الهی، مشمول قوانین و سنت هایی است که نه تغییرپذیرند و نه جایگزین بردار. بشر چه بخواند و چه نخواهد و قدرتمندان چه راضی باشند و چه نباشند، این سنت ها تحقق می پذیرند. یکی از این سنت ها تجلی حق و پیروزی آن بر باطل است. یعنی جریان هستی و اداره امور عالم و نیز اعمال اختیاری انسان باید با تدبیر الهی و متکی بر معرفت صحیح اداره شود تا سعادت او تأمین و تضمین گردد.

بنابر این اگر روزی جامعه اسلامی که نماد جریان حق است منحرف شود و به جایی برسد که هم مردم به فساد کشیده شوند و هم حکومت ها فاسد گردند و در نتیجه جابجایی خوب و بد، معروف و منکر و حق و باطل در عرصه حیات اجتماعی صورت گیرد، خداوند شرایط را به گونه ای محقق می سازد که گروه خداپرستان و مؤمنان قیام کنند و جامعه را از فساد به صلاح برگردانند؛ همان طور که حادثه عظیم عاشورا در تاریخ اسلام از مصادیق روشن آن است. مقام معظم رهبری با توجه به این سنت الهی است که می فرماید:

من احساس می کنم که انقلاب اسلامی یک ضرورت بود برای اسلام. یک نیاز بود برای مسلمین. سنت الهی بود برای حفظ دین و حفظ احکام الهی. مطلب بعدی این است که انقلاب اسلامی یک حادثه تاریخی است نه یک حادثه منطقه ای. اساساً انقلاب، هر انقلابی در جغرافیای انسانی مثل زلزله و آتشفشان در جغرافیای طبیعی است. زلزله و آتشفشان از لحاظ اصل بروز ناشی از تکاثف انرژی های مختلف طبیعی است. انقلاب هم در جغرافیای انسانی، ناشی از انباشته شدن انرژی های انسانی و انفجار این انرژی هاست.

بر اساس این قانون الهی بود که اوضاع و احوال جهانی و نیز اوضاع و احوال تاریخی کشور ایران اقتضا می کرد این تحول عظیم رخ دهد و نظام سلطنتی به نظام الهی و مردمی تبدیل شود، یعنی نظامی بر پایه ارزشهای معنوی که دنیا در نهایت درجه از آن دور بود، به وجود آید. دنیایی که غرق در مادی گری و فساد و فحشا شده و معنویتش ضعیف و ضعیف تر شده بود، هرگز باور نمی کرد و نمی کند که بتوان انقلابی بر مبنای حکم خدا به

وجود آورد. اما این معجزه در ایران رخ داد و پایگاه نجات دنیا از فساد و تباهی و رنجهای روحی شد و چنان شد که مستضعفان جهان، آمال و آرزوهای خود را در آن قابل تحقق یافتند.

برای تحقق وعده الهی که پیروزی اسلام بر همه کفر و الحاد و پیروزی ارزشهای الهی بر همه مادی گری های کوتاه نظرانه است، ضرورت داشت اسلام خودش را در عصر غربت دین بنمایاند و در عرصه حیات اجتماعی بشر مطرح سازد. از اینجا بود که خدای متعال چنین مقدر کرد که این کار به دست یکی از شایسته ترین و برترین بندگانش عملی شود و شد.

بر پایه این سنت الهی گرچه قدرتمندان و زورمداران جهان در مسیر دستیابی انقلاب به اهدافش سنگ اندازی و مانع تراشی می کنند، ولی به فضل الهی اگر مردم شریف ایران ایمان را با عمل صالح قرین سازند، هیچ قدرتی یارای مقاومت در برابر آنان را ندارد و چنین ملّتی قله های مرتفع عزّت و افتخار را یکی پس از دیگری فتح خواهد کرد. زیرا در کار خدا طفره نیست و طبیعت و فطرت عالم این است که به سمت کمال برود. به همین دلیل است که رهبر و ملت ایران، توحید، معنویت و دین داری را که شعار انقلاب حضرت مهدی(عج) است، شعار انقلاب اسلامی قرار داده و آن را زمینه و مقدمه ای برای انقلاب حضرت مهدی (عج) می دانند. شکی نیست، چون این انقلاب بر طبق سنتهای الهی است، با صبر و توکل به خدا پیش می رود و به اهداف خود نیز خواهد رسید.

حاصل کلام اینکه انقلاب اسلامی بر اساس یک ضرورت طبیعی و تاریخی و مبتنی بر قواعد و سنن الهی به وقوع پیوست و بر اساس همین قاعده نیز به راه خود ادامه خواهد داد. مقام معظم رهبری می فرماید:

انقلاب ما و حرکت ما اسلامی است. از جهت دیگر برای مردم دنیا امروز بسیار می تواند آموزنده باشد و به عنوان یک تجربه ملموس و عملی مطرح بشود. انقلاب ما از باب انطباق با سنت هایی که در قرآن برای نهضت ها و تحولات جهانی و تحولات اجتماعی ذکر شده، از جهت انطباق با این پیشگویی های قرآن و قوانینی که ذکر می

کند و سنن الهی نیز اسلامی است. تفسیر و تحلیل قرآن نسبت به تحولات اجتماعی عمیقاً مغایر با تحلیل و تفسیری است که مکاتب مادی ذکر می کنند. در قرآن کریم برای تحولات مادی یک اصول و نقاط عطف و انگیزه ها و اهرم ها و عوامل دیگری ذکر شده، غیر از آنچه که در تحلیل ها و تفسیرهای مادی وجود دارد. ما نگاه می کنیم می بینیم عیناً آنچه در انقلاب ما اتفاق افتاد منطبق بر همین تفسیرها و تبیین های الهی است که سنن آفرینش را برای ما بیان می کند.

### الگوی انقلاب اسلامی

قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران با توجه به حاکمیت دو تفکر اومانیسم و ماتریالیسم در جهان، چنان القا می شد که نظام های حکومتی منحصراً باید به یکی از دو شیوه لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی باشد و چنانچه انقلابی در جهان رخ دهد، چاره ای جز اتکا به تفکر اومانیسم و یا ماتریالیسم نداشته و باید تحت حمایت یکی از دو بلوک شرق یا غرب باشد. بر این اساس بسیاری از نظریه پردازان انقلاب بر آن بودند که انقلاب اسلامی ایران را در چارچوب یکی از این دو تفکر تحلیل نمایند در حالی که انقلاب اسلامی هم در تأسیس و پیروزی و هم در اهداف و سیر حرکت خود، جدای از این دو تفکر بود. بلکه چالشی علیه نظام اختاپوسی سرمایه داری دنیا از یک طرف و نظام الحادی مارکسیستی از طرف دیگر بود و چون مستقل بود با هیچ کدام کنار نیامد. در حقیقت انقلاب اسلامی در عصر غربت دین که دین به عنوان مخدر جامعه معرفی می شد، به وقوع پیوست و شعار ضرورت مهندسی دین در حیات فردی و اجتماعی بشر را سرلوحه خویش قرار داد و الگوی خود را بعثت پیامبر(ص) در صدر اسلام و رسالت خود را نیز رسالت انبیاء معرفی کرد. همان گونه که اسلام، یک مکتب و طرحی برای زندگی و اساساً یک انقلاب است، بالطبع انقلابی که متکی به آن باشد، خاصیتش نیز خاصیت اسلام است. نظر به الگوپذیری انقلاب از بعثت پیامبر اعظم(ص)، رهیافت شباهت جویی بین این دو، ما را به یگانه و منحصر به فرد بودن انقلاب اسلامی در دوران معاصر رهنمون می سازد. مقام معظم رهبری می فرماید:

عین همین بعثت با یک تفاوت در جامعه ما و در زمان ما به وجود آمده است، آن تفاوت این است که بعثت آن روز به معنای بیدار شدن یک انسان و پیغمبر شدن او بود و در بعثت امروز دیگر رسالت در آن نیست بلکه بعثتی در راستای بعثت پیغمبر است؛ یعنی همینطور که پیغمبر اسلام وقتی مبعوث شد جامعه زمان خودش را بیدار کرد. ما امروز یک بار دیگر با ندای پیامبر، با فریاد بعثت رسول گرامی بیدار شدیم.

در تحلیل نهضت انبیاء روشن می شود که پیامبران سه وظیفه عمده به عهده داشتند؛

الف - تعلیم معارف، جهان بینی، مقررات و احکام الهی،

ب - تربیت و تزکیه مردم و رشد دادن و شکوفا ساختن استعدادهای آنان برای اداره خویش،

ج - مدیریت بالفعل جامعه و تشکیل و اداره نظام حکومتی.

ما نیز بر طبق حکم الهی امروز چنین الگویی را برای خود برگزیده ایم و انقلابمان را منطبق بر حرکت اسلامی صدر اسلام می دانیم و شک نداریم که انقلاب اسلامی مثل بعثت و پیام نبوت منطبق با قوانین آفرینش و خواست و اراده الهی است و ملت رشید ایران در مبارزه خود چونان مسلمانان صدر اسلام با ایثار و فداکاری همان هدف را تعقیب کرده و خط بعثت آنان بر خط کفر و الحاد و طغیان و شیطنیت به پیروزی می پیوندد و پیروزی حق بر باطل آشکار می شود.

مقام معظم رهبری معتقدند امام راحل (ره) برای حیات دوباره اسلام درست همان راهی را پیمود که رسول اعظم(ص) پیمودند و فلسفه انقلاب نیز همان حرکت نبوت ها در طول تاریخ برای حمایت از مستضعفان و کوبیدن گردن کشان و سلطه گران و طاغوت ها به سنگ است. ایشان وجوه شباهت فراوانی را میان انقلاب اسلامی ایران و صدر اسلام در زمینه های دوران تبلیغ، کادرسازی، مبارزه، جنگ ها، شهدا و جانبازان، مخالفین و ترفندهای آنها و... یادآور می شود که حاکی از الگوپذیری انقلاب ما از صدر اسلام و انقلاب پیامبر(ص) است.

## پیام انقلاب اسلامی

هر انقلابی نظیر زلزله یا آتشفشان تأثیرات کم و بیش منطقه ای و بین المللی دارد و برای ایجاد عمق استراتژیک خود، پیامی را عرضه می کند. هر چه پیام انقلاب پرجاذبه تر باشد، انسان های بیشتری به پذیرش و حمایت و الگوپذیری از آن روی می آورند. انقلاب اسلامی ایران که امتیاز اساسی اش، اتکای به جهانبینی اسلامی بود، در زمانی به وقوع پیوست که حرکت های لیبرالی و سوسیالیستی جاذبه خود را از دست داده بودند. گرچه بسیاری از روشنفکران چپ گرا همچنان القا می کردند که تنها ایدئولوژی بسیج کننده ملت ها، مارکسیسم است.

انقلاب اسلامی مردم ایران این پیام را به دنیا عرضه کرد که بسیج کننده ترین ایدئولوژی ها اسلام است و اسلام مکتبی است که نه تنها توانایی سازماندهی یک مبارزه عظیم را دارد، بلکه در دوران پیچیده عصر ماشینی با همه معارضه ها و تضادهایی که سیاست های جهانی دارد، قادر به حل مشکلات جامعه و اداره آن بوده و بقا و ماندگاری اش را تضمین می کند. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی ایران، گشودن جبهه تازه ای فراوی همه انسان های مظلوم و محرومی است که از نارسایی و نابسامانی تمدن تحمیلی استعماری رنج می برند و شعار نه شرق و نه غربی این انقلاب، بیانگر نفی هر گونه ظلم و ستم بر بشریت است. برخی از پیام های انقلاب اسلامی را می توان به صورت زیر برشمرد:

۱- لزوم خروج انسان از یوغ بردگی و بندگی طاغوت و رستن از ذلت و خواری،

۲- روی آوردن به عبودیت خدا و رستگاری،

۳- برآشتن در مقابل همه بدی ها و کجی ها و نابسامانی ها،

۴- مبتنی بودن حکومت و قدرت سیاسی بر پرهیزکاری، عدالت و حقیقت،

۵- ضرورت دین گرایی و خدامحوری و نیز بازگشت از مسیر انحرافی دوران غرور جاهلانه شکوفایی علم.

حاصل سخن در یک کلام این که پیام انقلاب، پیام معنویت است، یعنی بشرِ سرگشته امروز که از عدم تأمین نیازهای برتر و والاتر و ندیدن و نداشتن صفا و محبت و مهربانی و نیافتن نوعی معرفت والا به ستوه آمده است، به دنبال مکتبی است که علاوه بر تأمین نیازهای مادی، نیازهای معنوی او را نیز برآورده سازد و چون شاهد بود هر جایی که این انقلاب نفوذ کرد، معنویت را هم با خود به آنجا برد، گمشده خود را در پیام انقلاب اسلامی یافتنی دید. بنابراین با قاطعیت می توان گفت رویکرد دین گرایی حاضر که در اطراف و اکناف جهان معاصر روبه توسعه و گسترش نهاده، محصول و ثمره دریافت این پیام است.

### **آرمان و اهداف انقلاب اسلامی**

ارزش و اهمیت هر انقلابی بسته به آرمان و اهدافی است که تعقیب می کند. بزرگی و کوچکی آرمان ها و اهداف تا حدود زیادی تعیین کننده میزان هزینه ای است که برای هر انقلابی باید صرف کرد. هر چه آرمان ها و اهداف یک انقلاب، متعالی تر و پرجاذبه تر باشد، تحمل سختی ها و فشارها در مسیر دستیابی به آنها، آسان تر و شیرین تر خواهد بود. انقلاب اسلامی ایران نیز از ابتدا آرمان ها و اهداف مشخصی را برای خود ترسیم نمود و رهبر و ملت از آغاز تا کنون در جهت دستیابی به آنها از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند. برخی از آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی به دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از:

#### **۱- عدالت خواهی،**

#### **۲- تربیت و تزکیه انسان و در نتیجه جامعه سازی بر مبنای آن،**

#### **۳- تشکیل نظام توحیدی و تلاش برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی،**

#### **۴- دستیابی به حیات طیّبه،**

#### **۵- برخورداری از رفاه، امنیت، دانش، عزت سیاسی، استقلال اقتصادی و رونق تجاری،**



۶- حاکمیت اسلام و قرآن در زندگی بشر،

۷- تکریم انسان و نفی فقر و فساد و تبعیض و در نتیجه احساس خوشبختی و سعادت،

۸- باز گرداندن عزت اسلامی به مسلمانان.

علاوه بر موارد یادشده، اهداف دیگری نظیر استقلال، آزادی، رشد معنوی، تعالی مادی، ایجاد محیط امن و باکرامت و... نیز جزء اهداف انقلاب به حساب می آیند. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

دین یک نظام اجتماعی به بشر ارائه می کند و نه فقط یک سلسله عبادات و عادات. هرچند عبادات و عادات نیز انباشته از روح زندگی و در جهت همان نظام است و این نظام اجتماعی مبتنی بر همان جهان بینی است و ساخته به شکل آن است. آزادی و برابری انسان ها، عدل اجتماعی، خودآگاهی افراد جامعه، مبارزه با کثرت و زشتی، ترجیح آرمان های انسانی بر آرزوهای شخصی، توجه و یاد الهی، نفی سلطه های شیطانی و دیگر اصول اجتماعی نظام اسلامی و نیز اخلاق و رفتار شخصی و تقوای سیاسی و شغلی، همه و همه ملهم و زاینده آن جهان بینی و برداشت کلی از جهان و انسان است. اسلام، نظام های مبتنی بر زور و قلدری و زاینده ظلم، جهل، اختناق، استبداد، تحقیر انسان و تبعیض نژادها، ملت ها، خون ها و زبان ها را رد می کند و غلط می شمرد و با هر آن نظام و کس که به ستیزه نظام اسلامی کمر بندد، با شدت و مقاومت می ستیزد و به جز آن، با همه انسان ها چه هم کیش و چه ناهم کیش به محبت و مساعدت امر می کند. بر چنین پایه ها و با چنان هدف هایی انقلاب اسلامی در ایران پدید آمد و نظام جمهوری اسلامی را بنا نهاد.

**رمز پیروزی انقلاب اسلامی**

شکل گیری و پیروزی هر انقلابی به مؤلفه ها و عوامل گوناگونی وابسته است. بدیهی است برخی عوامل وجه غالب را به خود اختصاص داده و نقش مضاعفی را در پیروزی انقلاب ایفا می کنند. به دیدگاه مقام معظم رهبری،

انقلاب اسلامی مردم ایران به نیروی اتحاد، اسلام و اتکای به خدا و نیز قدرت اراده و تن دادن به فداکاری و مجاهدت پیروز شده است. برخی از عوامل پیروزی انقلاب عبارتند از:

۱- مطابقت انقلاب اسلامی با سنتهای الهی،

۲- ایمان عمیق، آگاهانه و راسخ مردم به اسلام ناب،

۳- تکیه بر مفهوم واقعی شعار الله اکبر،

۴- تعظیم شعائر الهی و اسلامی به ویژه عزاداری ها در محرم و صفر،

۵- روشنگری و فداکاری روحانیت اصیل و متعهد به عنوان جلودار نهضت.

در یک کلام می توان رمز پیروزی انقلاب اسلامی را در ایمان و اعتقاد مردم به اسلام و نیز تسلیم در برابر فرمان خدا و صبر و فداکاری و استقامت در مسیر انقلاب جست و جو نمود.

### اصول انقلاب اسلامی

نظر به اینکه انقلاب اسلامی زیربنای فعالیت خود را اسلام و قوانین خدا قرار داده است، مثل خود اسلام دارای احکام ثابت و متغیر بوده و هست. بنابراین با تکیه بر اصل توحید می توان موارد زیر را جزء اصول انقلاب به شمار آورد:

۱- پایبندی به اسلام و قرآن،

۲- دفاع از محرومان و مستضعفان،

۳- عدم گرایش به قدرتهای شرقی و غربی،

۴- تحقق عدالت اجتماعی،

۵- تعلیم و تربیت اسلامی،

۶- نفی سلطه و حاکمیت ظالمانه قدرت های زورگو،

۷- عدم خوف و هراس از تهدیدات قدرتهای مادی و امیدواری به نصرت و امداد الهی،

۸- تکریم انسان به معنی واگذاری حقیقی حق تصمیم گیری و تعیین سرنوشت به انسان،

۹- فراهم سازی راه کمال جویی و تقرب انسان به خدا و جلوگیری از منحصر و محدود سازی او در خواهشهای جسمی و جنسی.

حاصل سخن این که همه مسائلی که به عنوان مبانی اندیشه سیاسی اسلام به حساب می آیند، در زمره اصول انقلاب اسلامی به شمار می روند.

### ارکان انقلاب اسلامی

برای شکل گیری هر انقلابی یک عنصر فکری و دو عامل انسانی مورد نیاز است. عنصر فکری همان ایدئولوژی و مکتبی است که انقلاب بر پایه آن استوار می گردد و عنصر انسانی نیز یکی مردمند و دیگری رهبری. هرگاه این سه عنصر در کنار هم قرار گیرند و جهت گیری یکسان داشته باشند، انقلاب شکل می گیرد. بدیهی است هر چه قوت این سه رکن بیشتر باشد، سرعت شکل گیری و پیروزی انقلاب نیز بیشتر خواهد بود:

### الف - مکتب

انقلاب اسلامی ایران بر پایه اندیشه و جهان بینی اسلامی استوار است. تفسیر انسان، تفسیر تاریخ، تحلیل حوادث حال و گذشته و آینده، تفسیر طبیعت، تبیین همه علایقی که انسان را با دنیای بیرون از وجود او، یعنی جهان، اشیاء و انسانها مرتبط می کند و نیز فهم و درک آدمی از وجود خود و خلاصه همه چیزهایی که نظام

ارزشی جامعه را می سازد و آن را بر اداره مطلوب خود قادر می سازد، از این جهان بینی الهی ریشه و مایه می گیرد و منشعب می شود.

نظر به اینکه دو برداشت انحرافی و متضاد از اسلام در جامعه وجود داشت، که یکی فهم کوتاه نظرانه، تعصب آمیز و متحجرانه و دیگری برداشت متجددانه و تساهل آمیز، رهبر انقلاب برداشت صحیح را با نام اسلام ناب به جامعه معرفی کرد و انقلاب را بر مبنای آن پیش برد. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی بند و باری و بی تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی خاصیت؛ اسلام نجات بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه دست قدرت ها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی(ص) جایگزین اسلام امریکایی گردید.

اساسی ترین مبنای جهان بینی الهی و اسلامی، اصل توحید به معنی اعتقاد به وجود خدا و قدرت غیبی او و حاکمیت علم، قدرت، عزت، جلال، جمال مطلق، اراده و مشیت او بر هستی، است و همه امور دیگر به نحوی از انحاء به توحید باز می گردند. یکی از نکات برجسته و قابل توجه در زمینه انقلاب اسلامی ایران این بود که دین اسلام سازنده فرهنگ ملی شد و به همین جهت اموری نظیر جهاد، شهادت، پیروی از انسان باتقوا و عادل، بیزاری از ظلم و ظالم، اتحاد و همبستگی، توکل به خدا و... در متن این فرهنگ قرار گرفت و خمیرمایه حرکت انقلابی مردم شد و پیروزی را برای مردم به ارمغان آورد.

**ب - رهبر**

قدرت و قوت رهبری در انقلاب اسلامی با اتکای به اسلام، ناشی از موقعیت دینی اوست که مشروط به برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر فقاقت، عدالت، علم، معرفت، زهد، مدیریت، شجاعت، بینش سیاسی و تدبیر است، بر خلاف انقلاب‌های دیگر که غالباً انسان‌هایی به عنوان سیاستمدار حرفه‌ای با تکیه بر زر و زور و تزویر در جایگاه رهبری قرار می‌گیرند.

امام راحل با برخورداری از همه ویژگی‌های مورد نیاز برای رهبری دینی و الهی، سکان انقلاب اسلامی را به دست گرفت و هدایت پیامبرگونه خود را بر جهانیان آشکار ساخت. یکی از تفاوت‌های عمده ایشان با دیگر مصلحان تاریخ اسلام این بود که ضمن حضور در صحنه، اصول مکتب سیاسی خود را برای مردم تبیین نمود و آنان را به ایمان روشن بینانه و آگاهانه رساند و پس از اثبات حقانیت مکتب سیاسی خود، توانست ملت ایران را آرام آرام وارد میدان مبارزه کرده، به همراهی این اقیانوس عظیم پرتلاطم، انقلاب بزرگ اسلامی را شکل دهد و در نتیجه آثار شوم تسلط قدرتهای طاغوتی را در این کشور برطرف و دنیا را متحول کند، به گونه‌ای که حرکت او با هیچ حرکتی از صدر اسلام تا کنون قابل مقایسه نیست.

### ج - مردم

بزرگ‌ترین اهرم پیشبرد انقلاب اسلامی، حضور عظیم توده‌های میلیونی مردم در عرصه‌های انقلاب بود که با ایمان نافذ و عمیق از یک سو و معرفت و آگاهی بالا از سوی دیگر، به ندای رهبرشان لبیک گفتند و در پرتو هدایت‌های روشنگرانه و پیامبرگونه او، صبر و مقاومت و استقامت را پیشه خویش ساخته و عاقبت شهد گوارای پیروزی بر نظام سلطه را نوشیدند.

یکی از بارزترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی که در کمتر انقلابی نظیر آن وجود داشته است، مردمی بودن آن است به گونه‌ای که همه ملت ایران در شهر و روستا، از کوچک و بزرگ، زن و مرد در آن مشارکت داشتند. بر

خلاف انقلاب های بزرگ دنیا که طبقات خاصی از جامعه در آن نقش آفرینی کردند. مقام معظم رهبری در بیان دلیل این که مردم صاحبان اصلی نظام و انقلابند اینگونه می فرماید:

مردم صاحبان این نظام هستند به چند دلیل؛ اولاً چون اسلام بیشترین حق را در اداره نظام های اجتماعی به مردم می دهد و هر دستگاه حاکم را یک دستگاه خدمتگزار برای مردم می داند. ثانیاً چون مردم تشکیل دهندگان و به وجود آورندگان این نظام بودند زیرا این نظام مبتنی بر یک انقلاب بود و آن انقلاب را مردم به وجود آوردند. ثالثاً چون دخالت و نظارت مردم بیشترین تضمین را برای حفظ این نظام از انحراف می کند.

### مخالفان انقلاب اسلامی

یکی از سنت های الهی این است که هر قوم و گروهی اعم از حق یا باطل نتیجه تلاش خود را خواهد دید، یعنی مدد اولیه الهی پشت سر تلاش و اراده غیر حق هم وجود دارد. قرآن کریم می فرماید «کَلَّا نَمَدَّ هُوْلَاءِ وَهُوْلَاءِ» (اسراء / ۲۰). شاهدش اینکه در طول تاریخ وقتی طرفداران حق کناره گیری، بی طرفی و قعود را انتخاب کردند، استکبار و طواغیت با بهره گیری از این سنت الهی بر دنیا حکمروایی داشته اند. این امر تا زمانی تداوم دارد که جریان حق به معارضه با آنان برخیزد. ولی وقتی جریان حق قیام کرد و با جریان طاغوتی به ستیز برخاست، آنگاه سنت دیگر خداوند حاکم شده و با امدادسانی به جریان حق، او را حتی با کمی عِدّه و عُدّه اش بر باطل علیرغم قدرت ظاهری اش پیروز می گرداند.

زمانی که انقلاب اسلامی ایران به عنوان مظهر حق در دوران معاصر بر مبنای اسلام و قرآن تحقق یافت، طبیعی بود که استکبار جهانی، حاکمیت اسلام را برای خود یک خطر جدی بداند و با انواع ترفندها و توطئه های استکباری به مبارزه با آن برخیزد و همه نیرو و توان خود را برای به شکست کشاندن آن بسیج نماید. مقام معظم رهبری می فرماید:

ما با دنیای استکبار مواجهیم. همه آن سلطه‌هایی که از احیاء اسلام ناراحتند و رنج می‌برند و همه آن دولت‌ها و قدرت‌هایی که عظمت اسلام را به زیان خودشان می‌بینند، امروز در مقابل اسلام، صف آرایی کردند.

و نیز می‌فرماید:

ملت ایران در حرکت خود مظلوم است. چرا؟ برای اینکه ملت ایران این مبارزه را برای تجاوز و تعدی به کسی یا تهدید به وجود نیاورد، بلکه این حرکت عظیم را برای دفاع از حق خود و مبارزه با دیکتاتوری و سلطه خارجی انجام داد. هر ملت و انسانی حق دارد از آزادی و کرامت خود دفاع کند و زندگی‌اش را بسازد. بنابر این کسانی که به ملت ایران از طرق مختلف سیاسی و غیر سیاسی حمله می‌کنند، در واقع به ملت ایران ظلم می‌کنند. چون حرکت ملت ایران منافع زیاده‌خواهانه و تجاوزگرانه آنها را تهدید کرده و آنها می‌خواهند از ملت ایران انتقام بگیرند. پس حق با ملت ایران است.

با بررسی اندک در تاریخ انقلاب اسلامی به روشنی درمی‌یابیم که فشارها و سرسختی‌های خصمانه و عنودانه و نیز توطئه‌های کینه‌ورزانه و مغرضانه از سوی شرق و غرب و اروپا و ارتجاع با انواع شیوه‌ها و ابزار علیه آن سازماندهی و اجرا شده است. علاوه بر تحریم‌های اقتصادی، توطئه‌های سیاسی، تحریک و حمایت از غائله‌های قومی و ده‌ها حرکت تخریبی، صدام را برای تحمیل جنگ به ایران تشویق و حمایت کردند به گونه‌ای که هشت سال از بهترین اوقات این ملت را به نفع امریکا مشغول کرد و ضمن اینکه مجال بازسازی و کارهای بزرگ بعد از انقلاب را از این ملت گرفت، خسارت‌های زیانبار و جبران‌ناپذیری را به هر دو ملت ایران و عراق وارد آورد.

یکی از حرکت‌های اساسی و زیربنایی استکبار که از اوّل انقلاب تا به امروز با شدت و ضعف وجود داشته و از این پس هم وجود خواهد داشت، حمله به بنیانهای فرهنگی و اعتقادی این انقلاب است. آنان در صدد برآمدند خدشه فکری و علمی در مبانی انقلاب نظیر اسلام ناب، تلازم دین و سیاست، اصل انقلاب، قانون اساسی، ولایت

فقیه و... وارد سازند و کوشیدند با تبلیغات فراوان و ایجاد جنگ روانی، فتنه گری و شبهه افکنی کرده و زیر چتر مسائلی از قبیل حقوق بشر، دموکراسی، مبارزه با تروریسم، تهدید امنیت جهانی و بزرگ نمایی حوادث کوچک، آنها را نشانه ضعف، انحطاط و ناکارآمدی انقلاب قرار دهند تا در اراده پولادین ملت تردید ایجاد کرده، حرکت انقلابی آنان را متوقف کنند و سپس منحرف و آنگاه به شکست بکشانند. تأسف آورتر اینکه جریان هایی در داخل کشور که از اوّل هم با حاکمیت دین خدا در ایران موافق نبودند، مجری سیاست های استکبار در کشور شدند. ولی به فضل خداوند بر اساس سنت الهی، ملت حق طلب ایران توفنده تر از گذشته به راه خویش ادامه خواهد داد و پیروزی نهایی را در کام خود خواهد چشید و انقلاب خود را نهادینه می سازد. چنانکه رهبر معظم انقلاب می فرماید:

در دنیای اسلام، امروز فکر انقلاب اسلامی، حقوق انقلاب اسلامی، منطق انقلاب اسلامی، مکتب سیاسی و فرهنگ انقلاب اسلامی همین طور دارد نهادینه می شود در ذهنها. هر چی باهاش مبارزه کرده اند نشده. انواع و اقسام مبارزه ها را خود شما شنیده اید، گویندگان هم خیلی گفته اند. انواع و اقسام مبارزه ها را هم کرده اند نشده. از این نگرانند دیگر؛ از این به شدت نگرانند. می خواهند این را از پا دریاورند.

### دستاوردهای انقلاب

هر پدیده اجتماعی پس از به ثمر رسیدن، دستاوردهایی را برای جامعه و حتی بشریت به ارمغان می آورد. بدیهی است میزان و سطح دستاوردهای هر پدیده نیز به بزرگی و اهمیت آن بستگی دارد. انقلاب اسلامی ایران به مصداق آیه شریفه «الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمه طيبة کشرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین باذن ربها» (ابراهیم / ۲۴). که مبتنی بر توحید و تکریم انسان و عدالت اجتماعی است، دستاوردهای فراوانی داشته و دارد که یکی پس از دیگری آشکار خواهد شد. با یک نگاه می توان دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران را در دو حوزه داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داد.



## الف - دستاوردهای داخلی

مهم ترین دستاورد داخلی انقلاب اسلامی، تشکیل حکومت دینی در قالب «جمهوری اسلامی» است که بهترین الگو را در عصر دین ستیزی، فراروی جهانیان قرار داد. بخشی از دستاوردها و ثمرات ارزشمند آن عبارتند از:

- ۱- تبدیل رهبری دنیایی به رهبری الهی با الگوی ولایت فقیه،
- ۲- استخراج و ارائه الگوی مردم سالاری دینی و حکومت متکی به آرای مردم از متن تعالیم اسلام،
- ۳- حاکمیت ارزشهای دینی و معنوی در نظام حکومتی در عصر غلبه زر و زور بر دیگر ارزشها،
- ۴- شکست طلسم جدایی مظاهر دین داری و تجددخواهی و اثبات وحدت دین و تجدد به مفهوم دینی در قالب وحدت حوزه و دانشگاه،
- ۵- قطع دست بیگانگان و چپاولگران و سلطه گران نامشروع از ایران و ملت و منابع و ثروتهای آن،
- ۶- برچیدن بساط ارتجاع و روشنفکری و دریدن طومار خیانت آنان،
- ۷- نفی سلطه طاغوت و احیای استقلال ملت ایران،
- ۸- نهادینه سازی استقلال و آزادی اسلامی در کشور ایران،
- ۹- احیای هویت ملی - اسلامی و حیات بخشی به ملت ایران،
- ۱۰- ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری در ملت ایران،
- ۱۱- ایجاد جرأت و جسارت در مسائل علمی و شکستن مرزهای دانش،
- ۱۲- پرورش استعدادها و ترویج روحیه خودآگاهی،

۱۳- ایجاد انقلاب علمی و رشد و توسعه علم و فناوری در کشور،

۱۴- گسترش روحیه تحقیق و شکوفایی استعدادهای انسانی،

۱۵- تربیت انسان های صالح به عنوان فتح الفتوح انقلاب،

۱۶- تبیین و احیای منزلت و شأن زن مسلمان،

۱۷- ایجاد وحدت شیعه و سنی.

### **ب - دستاوردهای خارجی**

انقلاب اسلامی بسان زلزله ای بود که پس از ایران امواجش همه کره خاکی را درنوردید و تأثیرات شگرفی را به جای نهاد. پاره ای از دستاوردهای خارجی انقلاب اسلامی عبارتند از:

۱- ابطال نظریه های مادی گرایانه و الحادی در تبیین و تفسیر انقلاب ها،

۲- ارائه تلقی و فکر جدید مبتنی بر توحید و معنویت و تکریم انسان و عدالت اجتماعی به جهانیان،

۳- اثبات امکان پذیر بودن تشکیل جامعه ای مبتنی بر عدالت و معنویت،

۴- احیای امید در دنیای اسلام و عرب نسبت به شکست پذیری استکبار و صهیونیسم،

۵- ایجاد پویایی در ملت ها و مشکل آفرینی برای استکبار جهانی،

۶- دمیدن روحیه گستاخی و جسارت به ملت های منطقه برای ایستادگی و مقاومت در مقابل قدرتهای بزرگ،

۷- قوت یابی جبهه حق در برابر جبهه باطل،

۸- تغییر نقشه سیاسی جهان و ظهور عصر خمینی،

۹- بیداری امت اسلام و تلاش در جهت تعیین سرنوشت خویش و دفاع از اسلام،

۱۰- ایجاد اعتماد به نفس در امت اسلامی برای حرکت به سوی آینده ای روشن،

۱۱- خلق فرهنگ روی آوری و تمسک به اسلام و قرآن،

۱۲- احیای عزت اسلامی برای مسلمین جهان،

۱۳- تغییر معادلات قدرت در خاورمیانه و جهان،

۱۴- ارائه الگوی مبارزه به جنبش های آزادی بخش در جهان.

### آسیب ها و تهدیدات انقلاب اسلامی

هیچ پدیده ای در نظام هستی از قواعد و سنت های الهی مستثنی نیست. هر انقلابی به عنوان پدیده اجتماعی نیز مشمول این قواعد خواهد بود. یکی از سنت های الهی این است که هر پدیده ای در معرض آسیب و تهدید قرار گیرد. منظور از آسیب، عوامل درونی پدیده است که آن را به سوی نابودی و اضمحلال سوق می دهد. تهدید هم فشارهایی است که از سوی عنصر یا عامل خارج از پدیده به آن تحمیل شده، باعث فتور و سقوطش می گردد. شناخت آسیب ها و تهدیدات هر پدیده و اقدام در جهت پیشگیری از بروز آنها، زمینه بقای آن پدیده را فراهم می آورد.

از منظر قرآن کریم، تحولات اجتماعی و دگرگونی هایی که در زندگی بشر به شکل انقلاب ها، تکامل ها، انحطاط ها، شکست ها و پیروزی ها رخ می دهد، مشمول قواعد و مقررات تکوینی به عنوان ضوابط تحول تاریخ هستند. قاعده طبیعت و تاریخ و تکوین الهی این نیست که خدای متعال نعمتی را که به یک ملت یا جمعی از انسان ها عطا فرموده، تغییر دهد، مگر اینکه آنها وضع خودشان را دگرگون سازند. بدین روی اگر ملت یا جامعه انقلابی بر اصول اساسی خویش پایدار باشد، نه آسیبی بروز خواهد کرد و نه تهدیدی می تواند او را از پای درآورد. با این

نگاه، تغییر در آنچه که باعث شکل گیری، پیروزی و ادامه حرکت انقلاب شد، عامل آسیب زای انقلاب است. و از آنجا که استکبار جهانی، منافع و مطامع خود را از دست رفته می بیند و ناخرسند از چنین وضعیتی است، بزرگ ترین عامل تهدید به شمار می رود.

برای پیشگیری از بروز آسیب ها و نیز بی اثر ساختن تهدیدات دشمن اقدامات زیر ضروری می نماید.

۱- تقویت و تعمیق فرهنگ اسلام ناب و محکم سازی پایه های اعتقادی مردم،

۲- تبیین، ترویج و پای بندی به فلسفه و مکتب سیاسی امام خمینی (ره)،

۳- تبیین علمی اصول و مبانی انقلاب و نظام اسلامی و حفظ هویت ملی،

۴- حفظ وحدت و اتحاد ملی به ویژه وحدت شیعه و سنی.

### رمز تداوم انقلاب اسلامی

بقا و تداوم انقلاب مهم تر و حتی مشکل تر از حدوث انقلاب است. تداوم هر انقلابی بسته به شرایط و قواعدی است که بقای آن را تضمین می کند. فلاسفه قاعده ای دارند که می گویند «علت مُبْقِیَه شیء، همان علت موجد آن است» یعنی اگر عوامل پدیدآورنده هر حادثه، همچنان پایدار باشند موجب تداوم حیات آن حادثه خواهند شد. بنابراین آنچه باعث پیدایش و پیروزی انقلاب گردید، عامل بقای آن نیز به شمار می رود. برخی از عوامل پویایی انقلاب اسلامی را می توان در امور زیر دانست.

۱- حفظ جهت گیری الهی انقلاب اسلامی،

۲- درک و فهم صحیح از اسلام و پای بندی به شعار اسلام خواهی،

۳- شناخت اصل مترقی ولایت فقیه و التزام به تبعیت از آن،

۴- حضور مردم در صحنه و مراقبت از جهت گیری صحیح انقلاب،

۵- ایمان و عمل صالح و استقرار و گسترش اخلاق اسلامی به ویژه در بین مسئولین،

۶- زنده نگه داشتن ارزش های انقلاب نظیر؛ تقوی، زهد، جهاد، شهادت، ایثار، صفا، مروت و ...،

۷- اخلاص، صبر، استقامت، مقاومت و ایثار در مسیر حرکت به سوی اهداف نهایی انقلاب،

۸- حفظ اتحاد و یکپارچگی ملت و جلوگیری از بروز تفرقه.

۹- تسلیم ناپذیری در برابر دشمن.

۱۰- بارور نمودن نسل جدید و پرورش آنها با هویت صحیح.